

## مقالات

### در سالهای ۷۸ و ۷۹ اتفاق افتاد: بررسی دو مورد فهرستنویسی پیش از انتشار

اثر: دکتر مرتضی کوکبی \*

(ص ۷ تا ۲۲)

#### چکیده:

فهرستنویسی پیش از انتشار یکی از روشهایی است که با ارائه فهرستبرگه کتاب در کتاب، کار فهرستنویسی را برای کتابدار بسیار آسان می‌کند و باعث می‌شود که کتاب، سریعتر در قفسه قرار گیرد و به دست خواننده برسد. از سوی دیگر، فهرستنویسی پیش از انتشار باعث یکدستی در امر فهرستنویسی می‌شود و به این ترتیب، امکان بازیابی کتاب را در شبکه کامپیوتری بسیار تسهیل می‌نماید. نوشته حاضر بر آن است تا با بررسی دو مورد فهرستنویسی پیش از انتشار دو کتاب که تقریباً از هر نظر به یکدیگر شبیه‌اند و بیان تفاوتی که میان این دو فهرستبرگه وجود دارد نشان دهد که این نوع فهرستنویسی پیش از انتشار غیراستاندارد نه تنها سودمند نیست بلکه زیانهای بی‌شماری نیز در بردارد. پیشنهادهایی در پایان برای بهبود کار ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: فهرستنویسی پیش از انتشار، فیپا.

\*\*\*

#### مقدمه

در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ دو کتاب به ترتیب به نامهای "در سال ۷۷ اتفاق افتاد" (کوثر، ۷۸) و "در سال ۷۸ اتفاق افتاد" (کوثر، ۷۹) منتشر شد. آنچه که در زیر می‌آید بدون آنکه به محتوای موضوعی این دو کتاب بپردازد به دو مورد

\* عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

فهرست‌نویسی پیش از انتشاری می‌پردازد که در این دو کتاب ارائه شده است. اما برای درک بهتر آنچه که قرار است مورد بحث واقع شود و نیز، اهمیت فهرست‌نویسی پیش از انتشار، نخست به تعریف فهرست‌نویسی پیش از انتشار و سپس به برخی مزایای آن برای کتابخانه‌های ایرانی پرداخته می‌شود.

### فهرست‌نویسی پیش از انتشار چیست؟

پوری سلطانی و فروردین راستین فهرست‌نویسی پیش از انتشار را عبارت از: "فهرست‌نویسی کتاب در کتابخانه ملی یا مرکز ملی کتابشناختی از روی نسخه قبل از صحافی یا نسخه‌ای که برای اظهار نظر تهیه شده است و برای فهرست‌نویسی در اختیار مرکز مزبور قرار می‌گیرد..." می‌دانند (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ص. ۲۴۳). به سخن دیگر، هنگامی که کتاب در مراحل نهایی قبل از صحافی است نسخه‌ای از آن به مراکز مربوط در کشور فرستاده می‌شود تا براساس اطلاعات موجود در آن، برای آن فهرستبرگه تهیه شود و در این حالت، کمترین مزیت آن برای کتابخانه‌ها این است که کتاب، فهرست‌نویسی شده به کتابخانه وارد می‌شود.

### مزایای فهرست‌نویسی پیش از انتشار

فریبرز خسروی، معاون خدمات عمومی و فنی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در گفتگویی که با نشریه "کتاب هفته" انجام داده است مزایای زیر را برای فهرست‌نویسی پیش از انتشار برمی‌شمارد:

"... از مهمترین آثار آن [فهرست‌نویسی پیش از انتشار] جلوگیری از کارهای تکراری در کتابخانه‌ها است ... بررسیهای ما نیز نشان می‌دهد که فیفا حداقل صرفه‌جویی هزینه‌ای معادل یک تا یک و نیم میلیارد تومان را در پی دارد. مزیت دیگر هماهنگ سازی اطلاعات برای شبکه‌سازی است. یعنی اگر بخواهیم به سمت یک شبکه اطلاع‌رسانی کشوری و بلکه جهانی حرکت کنیم باید اطلاعات موجود در بانکهایمان هماهنگ باشد که فیفا تا حدی این زمینه را فراهم می‌کند.

مسأله دیگر سرعت بخشیدن به چرخه اطلاعات است، چراکه در برخی از کتابخانه‌ها بیش از یک سال کتاب در صف فهرست شدن می‌ماند تا بعد به قفسه و به استفاده کننده برسد.

فیفا مزیت دیگری نیز دارد و آن معرفی کتاب قبل از انتشار است چرا که با انجام فهرست‌نویسی اطلاعات کتاب در شبکه ما ظهور پیدا می‌کند و می‌توان گفت چه کتابهایی با چه موضوعهایی در مرحله انتشار هستند، به این ترتیب مؤلفان و مترجمان می‌توانند از کتابشناسی ملی ما استفاده کنند. در نهایت فهرست‌نویسی پیش از انتشار باعث صرفه‌جویی در وقت کتابداران و فراهم کردن فرصت خدمات‌دهی بیشتر به مراجعان می‌شود. (فیفا حمایت می‌خواهد، ۱۳۸۰، ۷). اکنون با توجه به مزایایی که خسروی برای فهرست‌نویسی پیش از انتشار بر می‌شمرد در زیر بررسی خواهد شد که دو مورد فهرست‌نویسی پیش از انتشار مورد بحث در این نوشته، چگونه این مزایا را برای کتابخانه‌های ایرانی خواهند داشت.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتاب "در سال ۷۷ اتفاق افتاد"

فهرست‌برگه پیش از انتشار کتاب "در سال ۷۷ اتفاق افتاد" به شرح زیر است:

نوی، سید ابراهیم، ۱۳۳۷ -  
 در سال ۷۷ اتفاق افتاد/متن سید ابراهیم نوی؛ کاریکاتور  
 نیک آهنگ کوثر - تهران: روزنه، ۱۳۷۸.  
 ۲۳۳ ص - مصور.

ISBN 964 - 334 - 025 - 2

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا.  
 ۱. طنزهای سیاسی ایرانی. ۲. کاریکاتور - ایران. ۳. طنز  
 فارسی - قرن ۱۴. الف. کوثر، نیک آهنگ، تصویرگر.  
 ب. عنوان.

۸۶۷/۶۲ PIR ۸۲۴۳/ ۸۲ د ۴  
 ۱۳۷۸  
 ۷۸-۱۵۷۳۶  
 کتابخانه ملی ایران

در فهرستبرگه فوق، نکاتی دیده می‌شود که در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

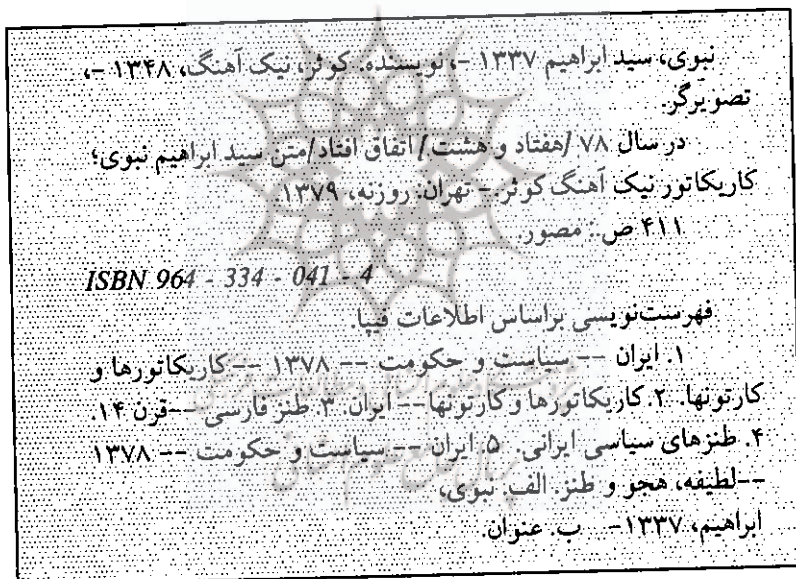
۱. قاعده 21.6B2 در کتاب "قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن" چنین است "اگر مسؤولیت اصلی [تهیه اثری] به دو یا سه شخص یا تنالگان نسبت داده شده باشد، اثر را زیر سرعنوان شخص یا تنالگانی که نامش در آغاز آمده است ببرید..." (قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن، ۱۳۷۱، ص. ۴۶۸). به این ترتیب، به دلیل این که هم در صفحه عنوان و هم در پشت صفحه عنوان کتاب، نام کاریکاتورست در آغاز آمده، بر خلاف آن چه که در فهرستبرگه بالا انجام شده است سرشناسه باید کاریکاتورست باشد نه نویسنده متن. حتی اگر فرض شود که مسؤولیت اصلی نامشخص است باز هم مطابق قاعده 21.6C1 "اگر مسؤولیت [تهیه اثری] میان دو یا سه شخص یا سازمان مشترک باشد و مسؤولیت اصلی بنا بر جمله‌بندی یا شکل صفحه‌آرایی [منبع اصلی اطلاعات] به هیچکدام از آنها نسبت داده نشده باشد، اثر را زیر سرعنوان شخص یا تنالگانی که نامش مقدم آمده است ببرید..." (قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن، ۱۳۷۱، ص. ۴۶۹) نمی‌توان نویسنده متن را در سرشناسه قرار داد.

۲. در سرشناسه نباید از لقب "سید" استفاده شود. در کتابشناسی ملی ایران، حتی برای نامهایی مانند "خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -" و "خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۸۰ - ۱۳۶۸". نیز از لقب "سید" استفاده نشده است.

۳. در منطقه عنوان و شرح مسؤولیت نیز نباید از لقب "سید" استفاده شود. مطابق قاعده 1.1F7 در کتاب "قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن" نباید جز در چهار مورد، از لقبها و اختصارات مربوط به لقبهای اشرافی، خطابی، افتخاری و ممیز، حروف آغازین نام انجمنها، ویژگیها و صلاحیتها و جز آن استفاده کرد و هیچکدام از چهار مورد مذکور در کتاب "قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن" در مورد نویسنده این کتاب صدق نمی‌کند. به این ترتیب لقب "سید" باید از جلوی نام نویسنده متن حذف شود.

۴. در منطقه عنوان و شرح مسؤولیت، با استناد به قاعده *J.1F6* یعنی "در صورتی که بیش از یک شرح پدیدآور موجود باشد آنها را مطابق همان ترتیب و طرحی که در منبع اصلی اطلاعات نشان داده شده است، بیاورید" باید نام کاریکاتورست پیش از نام نویسنده متن بیاید.

فهرستبرگه پیش از انتشار کتاب "در سال ۷۸ اتفاق افتاد"  
فهرستبرگه پیش از انتشار کتاب "در سال ۷۸ اتفاق افتاد" به شرح زیر است:



در این فهرستبرگه نیز مواردی دیده می شود که قابل بررسی است:

۱. مطابق قواعد *21.6C1* و *21.6B2* که در بالا مورد اشاره قرار گرفت نمی توان دو نام را در سرشناسه قرار داد. در واقع، اگر دو نام در سرشناسه باشند از نام دوم تحت هیچ شرایطی نمی توان برای بازیابی فهرستبرگه استفاده کرد. اشتباه مرتکب شده در این فهرستبرگه به قدری آشکار است که می توان آن را فاحش نامید زیرا قرار دادن یک نام در سرشناسه، یکی از اولین نکاتی است که به یک فهرستنویس آموخته می شود و بی اغراق، هر نوآموز فهرستنویسی می داند که نباید این اشتباه را

مرتب شود!

۲. اشتباه بعدی در این فهرستبرگه، استفاده از نشانه وظیفه "نویسنده" برای نام اول در سوشناسه است. نه تنها در کتابشناسی ملی ایران برای نویسنده‌ای که در سرشناسه قرار می‌گیرد نشانه وظیفه "نویسنده" مورد استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه مدتی است شناسه وظیفه "نویسنده همکار" نیز در کتابشناسی ملی از جلوی نام نویسنده یا نویسندگان همکار برداشته شده است. در کتاب "قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن" نیز چنین نشانه وظیفه‌ای وجود ندارد.

۳. معلوم نیست به چه دلیل، کلمات هفتاد و هشت بعد از عدد ۷۸ در قلاب آمده است. مطابق قاعده ۱۹ الف در کتاب "دستورنامه برگه‌آرایی" یعنی، "در مواردی که ارقام به عدد نوشته شده باشد نه حروف: اعداد را در عنوان کتابها یا هر مورد دیگری که در برگه‌آرایی مؤثر / مؤثر واقع شود به همان ترتیب که تلفظ می‌شوند بخوانید و به حروف حساب کنید." (وزیری، ۱۳۷۴) نیازی به تکرار عدد ۷۸ به حروف و در قلاب نیست. در فهرستبرگه سال ۷۸ نیز چنین عمل نشده است.

۴. ترتیب اسامی پدیدآورندگان در منطقه عنوان و شرح مسؤلیت در این فهرستبرگه نیز رعایت نشده است. با استناد به قاعده 1.1F6 که در بالا ذکر شد نام کاریکاتورست باید پیش از نام نویسنده متن بیاید.

۵. معلوم نیست چرا سرعنوانهای مورد استفاده در دو فهرستبرگه با هم متفاوت است. در فهرستبرگه سال ۷۸ سه سرعنوان و در فهرستبرگه سال ۷۹ پنج سرعنوان وجود دارد. تفاوت موجود میان سرعنوانهای موضوعی می‌تواند ناشی از عدم تعینی باشد که همواره در فهرستنویسی موضوعی وجود دارد زیرا همیشه این امکان وجود دارد که دو فهرستنویس متفاوت، حتی یک فهرستنویس در دو زمان متفاوت، به یک کتاب یکسان، سرعنوانها و شماره‌های رده‌بندی متفاوتی بدهند اما در حالی که محتوای موضوعی این دو کتاب به نظر نمی‌رسد تفاوت چشمگیری داشته باشد چه دلیلی وجود دارد که سرعنوانهای مورد استفاده این قدر متفاوت هستند؟ پرسشی که در اینجا می‌توان پرسید این است که آیا فهرستنویس برگه دوم،



پیش از انجام فهرستنویسی موضوعی، فهرستبرگه اول را مورد بررسی قرار داده است؟

۶. در فهرستبرگه سال ۷۸، سرعنوان موضوعی "کاریکاتور--ایران" وجود دارد و در فهرستبرگه سال ۷۹، سرعنوان "کاریکاتورها و کارتونها--ایران". در ویرایش دوم کتاب "سرعنوانهای موضوعی فارسی" که در سال ۱۳۷۳ منتشر شده سرعنوان برگزیده، "کاریکاتورها و کارتونها" است. در ویرایشی از CD کتابشناسی ملی نیز که تا پائیز ۱۳۷۹ را می پوشاند سرعنوان اصلی، "کاریکاتورها و کارتونها" است. اگر سرعنوان "کاریکاتور-ایران"، یک سرعنوان اصلی باشد به معنای هنر کاریکاتور در ایران است که برای این کتاب، مناسب نیست زیرا این کتاب درباره هنر کاریکاتور سخن نمی گوید. به این ترتیب، سرعنوان موضوعی "کاریکاتور-ایران"، نادرست است.

۷. در حالی که نویسنده متن در سرشناسه آمده است شناسه افزوده هم گرفته است! این نیز یکی از اشتباهات فاحش در فهرستنویسی است. دلیلی ندارد که در یک فهرستبرگه، برای یک نام، دو بار نقطه دستیابی ساخته شود!

۸. شماره رده بندی دهدهی دیوبندی در این فهرستبرگه وجود ندارد. فهرستنویس فهرستبرگه دوم، با بررسی فهرستبرگه سال ۷۸ به راحتی می توانسته این شماره را به دست آورد.

۹. شماره رده بندی کتابخانه کنگره نیز در این فهرستبرگه دیده نمی شود. این شماره را نیز می توان بسادگی از فهرستبرگه سال ۷۸ به دست آورد.

۱۰. شماره سفارش فهرستبرگه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نیز در این فهرستبرگه وجود ندارد. آیا این فهرستبرگه در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است؟

۱۱. عبارت "کتابخانه ملی ایران" در فهرستبرگه دوم دیده نمی شود. به نظر نمی رسد که اصولاً چنین عبارتی در فهرستبرگه های کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران وجود داشته باشد.

با توجه به آنچه که در بالا ذکر شد و با عنایت به این که نمی توان با قاطعیت استدلال کرد که سرعنوانهای موضوعی کدامیک از دو فهرستبرگه درست است در زیر، تصویر فهرست توصیفی صحیحتر هر یک از دو فهرستبرگه ارائه می شود:

فهرستبرگه پیش از انتشار سال ۷۸:

کوثر، نیک آهنگ، ۱۳۴۸ - ، مصور.

در سال ۷۷ اتفاق افتاد / کاریکاتور نیک آهنگ کوثر؛ متن ابراهیم نبوی

- تهران: روزنه، ۱۳۷۸

۲۳۳ ص. مصور

ISBN 964 - 334 - 025 - 2

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا:

۱، ۲، ۳. سرعنوان های موضوعی: الف. نبوی، ابراهیم، ۱۳۳۷ -

ب. عنوان:

۸۶۷/۶۲ PIR ۸۲۴۳/ب ۸۲ د ۲

۱۵۷۳۶-۷۸ م

فهرستبرگه پیش از انتشار سال ۷۹:

کوثر، نیک آهنگ، ۱۳۴۸ - ، مصور.

در سال ۷۸ اتفاق افتاد / کاریکاتور نیک آهنگ کوثر؛ متن ابراهیم نبوی

- تهران: روزنه، ۱۳۷۹

۴۱۱ / ص. مصور

ISBN 964 - 334 - 025 - 2

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا:

۱، ۲، ۳. سرعنوانهای موضوعی: الف. نبوی، ابراهیم، ۱۳۳۷ -

ب. عنوان:



## چند پرسش و پاسخهای احتمالی آنها

با توجه به آنچه که در بالا مورد بحث قرار گرفت پرسشهای زیر را می توان مطرح کرد:

۱. آیا این فهرستبرگه ها در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است؟ از آنجایی که حداقل یکی از فهرستبرگه ها دارای شماره سفارش فهرستبرگه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است و این شماره برای همین کتاب در CD کتابشناسی ملی ایران هم وجود دارد می توان ادعا کرد که حداقل، فهرستبرگه شماره دار در کتابخانه ملی تهیه شده است. اما تفاوتی میان فهرستبرگه فیپای این کتاب و فهرستبرگه CD وجود دارد.

فهرستبرگه کتاب "در سال ۷۷ اتفاق افتاد" مستخرج از CD کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نبوی، ابراهیم، ۱۳۳۷ -  
 در سال ۷۷ اتفاق افتاد/ متن ابراهیم نبوی؛ کاریکاتور نیک آهنگ  
 کوثر  
 - تهران: روزنه، ۱۳۷۸.  
 ۲۳۳ ص. مصور، نمودار؛ ۱۴، ۱۹۸۰ س. م.  
 ۷۳۵۰ ریال ۲ - 025 - 334 - 964 ISBN  
 ۱. طنزهای سیاسی ایرانی. ۲. کاریکاتور -- ایران. ۳. طنز  
 فارسی -- قرن ۱۴. الف. کوثر، نیک آهنگ، تصویرگر.  
 ب. عنوان  
 ۸۶۷/۶۲ PIR ۸۲۴۳/ ۵۴  
 ۲۶۹۰ ۱۳۷۸  
 ۴۷۸-۱۵۷۳۶ ۱۳۷۸

این تفاوتها به شرح زیر است:

الف. در سرشناسه و منطقه عنوان و شرح مسؤولیت فهرستبرگه CD از لقب

"سید" استفاده نشده است.

ب. در منطقه توصیف ظاهری، پس از کلمه مصور، کلمه نمودار و نیز قطع کتاب افزوده شده است. شایان ذکر است که کتاب، نمودار ندارد. همچنین در کتابشناسی ملی ایران، معمولاً قطع کتاب داده نمی‌شود.

پ. در فهرستبرگه CD در جلوی شابک کتاب، بهای آن نیز دیده می‌شود اما در حالی که مطابق قاعده 2.8A1 می‌باید پیش از شرایط دسترس پذیری دو نقطه گذاشته شود این کار انجام نشده است.

تفاوت‌های میان فهرستبرگه فیپای کتاب دوم و فهرستبرگه CD آن بیشتر از کتاب

اول است.

فهرستبرگه کتاب "در سال ۷۸ اتفاق افتاد" مستخرج از CD کتابخانه ملی جمهوری

اسلامی ایران

کوثر، نیک‌آهنگ، ۱۳۴۸ -، تصویرگر  
در سال ۷۸ / هفتاد و هشت / اتفاق افتاد / کاریکاتور نیک‌آهنگ  
کوثر؛ متن  
ابراهیم نبوی - تهران: روزنه، ۱۳۷۹  
/ ۴۱۱ / ص: مصور  
۱۳۹۵۰ ریال 4 - 041 - 334 - ISBN 964

چاپ سوم  
۱. ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۷۸ -- کاریکاتورها و  
کارتونها  
۲. کاریکاتورها و کارتونها -- ایران. ۳. طنز فارسی -- قرن ۱۴ - ۴.  
طنزهای سیاسی ایرانی.  
۵. ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۷۸ -- لطیفه، هجو و طنز.  
الف. نبوی،

ابراهیم، ۱۳۳۷ - ب. عنوان.

DSR ۱۵۸۵/۵۹۵۴

۹۵۵/۰۸۴۵۰۲۲۲

/۷۴۱/۵۹۵۵/

م۷۸-۲۷۳۰۲

این تفاوتها به شرح زیر است:

الف. در فهرستبرگه CD، سرشناسه به درستی، تنها یک نفر و آن هم کاریکاتورست است.

ب. در منطقه عنوان و شرح مسؤولیت در فهرستبرگه CD، ترتیب درست است.

پ. در منطقه عنوان و شرح مسؤولیت و نیز در فهرست تحلیلی، در CD، از کلمه "سید" استفاده نشده است.

ت. در فهرستبرگه CD بهای کتاب داده نشده است.

ث. در فهرستبرگه CD هم شماره رده‌بندی دهدهی دیویی و هم شماره رده‌بندی کتابخانه کنگره وجود دارد اما در حالی که کتاب اول در رده ادبیات ایرانی رده‌بندی شده کتاب دوم در رده تاریخ ایران جای گرفته است!

ج. در فهرستبرگه CD، به درستی به نویسنده متن، شناسه افزوده داده شده است.

۲. اگر پاسخ پرسش اول مثبت است چه کسی یا کسانی مسؤول وجود این همه اشتباه در این دو فهرستبرگه پیش از انتشار هستند؟ همان گونه که قبلاً ذکر شد در این دو فهرستبرگه اشتباهاتی دیده می‌شود که بعضاً حتی از یک نوآموز فهرستنویسی نیز سر نمی‌زند. در واقع، قرار دادن تنها یک نام، چه شخص یا تنالگان، در سرشناسه، یکی از اولین نکاتی است که به هنگام آموزش فهرستنویسی آموخته می‌شود. آیا فهرستنویسی پیش از انتشار در کتابخانه ملی از سوی فهرست‌نویسان ارشد مورد بازبینی قرار نمی‌گیرد؟

۳. اگر باز هم پاسخ پرسش اول مثبت است آیا فهرستنویس دوم، خواه همان فهرستنویس اول باشد خواه دیگری، از وجود فهرستبرگه اول خبر نداشته است؟ شواهد نشان می‌دهد که این بی‌اطلاعی وجود داشته زیرا هیچ فهرستنویسی، منطقاً وقت و انرژی خود را صرف فهرستنویسی کتابی که نظیر آن قبلاً فهرست شده است نمی‌کند. در این صورت، این پرسش پیش می‌آید که چرا این بی‌اطلاعی وجود داشته است؟ آیا فهرستنویس دوم مقصر بوده یا اینکه سازوکار مناسبی در اختیار نداشته که به وسیله آن بداند فهرستبرگه‌ای مشابه فهرستبرگه دوم قبلاً تهیه شده

است؟ در هر حال، حداقل نتیجه این بی‌اطلاعی این است که دو کتاب مشابه، که قطعاً باید در قفسه در کنار هم قرار گیرند در دو رده جداگانه و دور از هم قرار می‌گیرند. در جستجوی رایانه‌ای براساس شماره رده‌بندی، یکی از این دو کتاب، بازیابی نخواهد شد و این در حالی است که در فهرست‌نویسی نوین، روابط کتابشناختی، یعنی تعیین آثار مرتبط با هر اثر در دست فهرست‌نویسی، یکی از مهمترین نکات به شمار می‌آید.

۴. اگر پاسخ پرسش اول منفی است در این صورت، حداقل یکی از فهرست‌برگه‌ها، یعنی فهرست‌برگه سال ۷۹، توسط ناشر تهیه شده است. در این حالت این پرسش نیز مطرح می‌شود که چگونه ناشری به خود اجازه می‌دهد که بدون هماهنگی و اجازه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به چنین کاری دست بزند؟ با توجه به فلسفه وجودی فهرست‌نویسی پیش از انتشار که ارائه فهرست‌برگه کتاب به همراه خود کتاب است آیا بهتر نیست که کتاب، بدون فهرست‌برگه پیش از انتشار باشد و توسط یک فهرست‌نویس ورزیده فهرست‌نویسی شود تا اینکه دارای فهرست‌برگه‌ای این چنین مغلوظ باشد؟ با توجه به مطالبی که سلطانی و راستین از یک سو و خسروی از سوی دیگر در مورد الزامی بودن فهرست‌نویسی پیش از انتشار بیان کرده‌اند به نظر می‌رسد که این نکته باید بیشتر مورد بحث قرار گیرد. خسروی در این مورد چنین می‌گوید: "... در سال ۷۴ که آقای خاتمی ریاست کتابخانه ملی را بر عهده داشتند، طرحی را برای رسمیت یافتن فیپا به ایشان دادیم که نهایتاً به هیأت / هیأت دولت و کمیسیون فرهنگی ارجاع شد و پس از بررسی‌هایی، در سال ۷۴ به تصویب رسید، براساس آن مصوبه که حکم قانون را دارد، کلیه ناشران دولتی و غیردولتی موظفند که قبل از نشر کتاب، برای فهرست‌نویسی آن اقدام کنند." (فیپا حمایت می‌خواهد، ۱۳۸۰، ۷). سلطانی و راستین نیز در این مورد می‌نویسند: "... از طرفی در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۵ هیأت وزیران، فهرست‌نویسی پیش از انتشار را برای کلیه ناشران اعم از دولتی و بخش خصوصی اجباری اعلام کرد و مسؤولیت اجرایی آن را به کتابخانه ملی واگذار نمود. از اواخر مهر ماه ۱۳۷۷ کتابخانه ملی با همکاری

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این طرح را به طور رسمی آغاز کرد ... (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ص. ۲۴۴). به این ترتیب، فهرستنویسی پیش از انتشار نه تنها یک مصوبه دولت و یک قانون است بلکه باید از سوی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شود. این به این معناست که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به هنگام دادن مجوز انتشار به یک کتاب، باید از فهرستنویسی پیش از انتشار کتاب مطمئن باشد. حال، کتاب دوم چگونه با این فهرستنویسی پیش از انتشار مغلوب اجازه چاپ یافته است.

۵. نسخ مورد بررسی این کتاب که در این نوشته مورد بحث قرار گرفته‌اند به ترتیب، چاپ سوم (۱۳۷۹) برای کتاب اول و چاپ دوم (۱۳۷۹) برای کتاب دوم است. آیا چاپهای قبلی نیز با چنین فهرستنویسی پیش از انتشاری ارائه شده است؟ پاسخ، به احتمال قریب به یقین، مثبت است.

۶. و پرسش دیگری که باقی می‌ماند این است که چرا نیمی از فهرستبرگه پیش از انتشار کتاب دوم، یعنی فهرست تحلیلی آن، درست مانند فهرستبرگه CD و نیمی دیگر از آن بسیار متفاوت است؟!

پاسخ هر شش پرسش بالا هر چه باشد یک نکته مسلم است: بر مبنای بند ۴ مصوبه مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۵ هیأت وزیران در مورد فهرستنویسی پیش از انتشار و شماره استاندارد بین‌المللی کتاب، "مسئولیت تأیید نهایی فهرستهای [پیش از انتشار] تهیه شده برای کتب بر عهده کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود." (تصویب نامه هیأت وزیران، ۱۳۷۵).

### تحلیل نهایی

اکنون با توجه به اشکالاتی که در دو فهرستبرگه بالا مورد بررسی قرار گرفت و آنچه که خسروی در مورد مزایای فهرستنویسی پیش از انتشار بر شمرده است می‌توان این نکته را که این دو فهرستبرگه تا چه اندازه این مزایا را ارائه می‌دهند مورد بحث قرار داد:

فهرست‌نویسی پیش از انتشار، اگر قرار باشد با چنین کیفیتی انجام شود از کارهای تکراری در کتابخانه‌ها جلوگیری نمی‌کند. هیچ کتابخانه‌ای اینگونه فهرست‌نویسی پیش از انتشار را نمی‌پسندد و ناچار است یک بار دیگر کتاب را فهرست کند. از چنین فهرست‌نویسی پیش از انتشاری نمی‌توان انتظار صرفه‌جویی داشت. مزیت دیگر، یعنی هماهنگ‌سازی اطلاعات برای شبکه‌سازی نیز از چنین فهرست‌نویسی بر نمی‌آید. چگونه می‌توان از طریق شبکه این دو کتاب را در حالی که حداقل، سرعنوانهای موضوعی متفاوت و شماره‌های رده‌بندی متفاوتی دارند بازیابی نمود؟ با چنین فهرست‌نویسی، از شبکه جهانی که هیچ، از شبکه کشوری نیز خبری نخواهد بود زیرا اطلاعات موجود در بانکهایمان هماهنگ نخواهد شد. چرخه اطلاعات نیز از طریق این فهرست‌نویسی سرعتی نخواهد یافت. اینگونه کتابها نیز به صف کتابهایی خواهند پیوست که در برخی از کتابخانه‌ها بیش از یک سال در صف فهرست شدن می‌مانند تا بعد به قفسه و به استفاده‌کننده برسند. به این ترتیب، در وقت کتابداران صرفه‌جویی نخواهد شد و آنها فرصت خدمات دهی بیشتر به مراجعان را نخواهند داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### پیشنهاد

یکی از مزایایی که خسروی برای فهرست‌نویسی پیش از انتشار برمی‌شمرد حرکت به سوی یک شبکه اطلاع‌رسانی کشوری و بلکه جهانی است اما برای این کار، او اعتقاد دارد که "باید اطلاعات موجود در بانکهایمان هماهنگ باشد که فی‌با تا حدی این زمینه را فراهم می‌کند". نمونه‌های ناهماهنگی که در بالا آورده شد اگرچه به عنوان دو مورد از فهرست‌نویسی پیش از انتشاری که دارای اشکالاتی است مطرح شد اما به معنای تنها مواردی از این نوع فهرست‌نویسی نیست. هم‌اکنون در صدی از فهرست‌نویسی پیش از انتشاری که در سطح کشور، چه توسط کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و چه توسط سازمانهایی غیر از این کتابخانه انجام می‌شود نشان از گسترش این پدیده در سطحی وسیع دارد. اما آنچه که در اینجا در خور بحث است



علت یا علل رخ دادن چنین پدیده‌ای و چگونگی جلوگیری از آن است. هنگامی که چنین پدیده‌ای مشاهده می‌شود دو علت عمده را می‌توان برای آن ذکر کرد: یکی قصور فهرستنویس است که می‌تواند ناشی از بی‌دقتی او باشد. این علت، خود می‌تواند معلول علل دیگری باشد که با توجه به ابعاد متفاوت شخصیت انسان به طور کلی و هر انسان به طور خاص، از نقاط نظر مختلف مورد بحث قرار گیرد اما در هر حال در مجال این نوشته نمی‌گنجد. اما علت دیگر که می‌تواند تا حدی علت العلل نیز به حساب آید سازوکار ناقصی است که در این مورد در کشور وجود دارد یا به عبارتی بهتر، وجود ندارد. شبکه کشوری مورد اشاره خسروی، همان شبکه کتابشناختی ملی است که می‌تواند همه کتابخانه‌های کشور را از طریق کامپیوتر به پایگاه کتابشناختی ملی در کتابخانه ملی متصل کند. از طریق این اتصال، نه تنها هر فهرستنویسی می‌تواند به سادگی دریابد که آیا فهرستبرگه آماده کتاب در دست فهرستنویسی او در پایگاه کتابشناختی ملی وجود دارد یا نه بلکه برای فهرستنویسی پیش از انتشار نیز می‌تواند این پایگاه را مورد مشورت قرار دهد. با چنین مشاوره‌ای، می‌توان با درصد بالایی مطمئن بود که دیگر شاهد اینگونه فهرستنویسی ناهماهنگ نخواهیم بود اما لازمه پیدایش چنین پایگاه و شبکه‌ای، فهرستنویسی یکدست و استاندارد است که برای راه‌اندازی این پایگاه و شبکه لازم است. اگرچه مقدمات تشکیل این پایگاه و شبکه آن با ساخت فرمت مارک ملی ایران که در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مراحل نهایی را می‌گذراند فراهم شده است اما عزمی سترگ در سطحی ملی لازم است تا با انجام فهرستنویسی استاندارد در سطح ملی، امکان ساخت هر چه سریعتر این شبکه و پایگاه به وجود آید.

منابع

۱. سلطانی، پوری و فروردین راستین. دانشنامه کتابداری و اطلاع رسانی. - تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹
۲. «فیبا حمایت می‌خواهد: نگاه دوم به فهرست نویسی پیش از انتشار». کتاب هفته، ۷ (۲۳) تیر ۱۳۸۰: ۷.
۳. قواعد فهرست نویسی انگلو امریکن / انجمن کتابداران آمریکا... / و دیگران؛ ترجمه رحمت الله فتاحی. - مشهد: آستان قدس رضوی. معاونت فرهنگی، ۱۳۷۱
۴. کوثر، نیک آهنگ، مصور. در سال ۷۷ اتفاق افتاد / کاریکاتور نیک آهنگ کوثر؛ متن ابراهیم نبوی. - تهران: روزنه، ۱۳۷۸
۵. کوثر، نیک آهنگ، مصور. در سال ۷۸ اتفاق افتاد / کاریکاتور نیک آهنگ کوثر؛ متن ابراهیم نبوی. - تهران: روزنه، ۱۳۷۹
۶. وزیری، فرهاد. دستورنامه برگه آرایی. - ویرایش ۲. - تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی